ادامه از صفحه ۶

ماجرای نیمه‌شب تابستان

حمله به منزل و مأوا و مسکنِ جمعی - به‌خصوص در شب یا در هنگام نماز جماعت - به هیچ وجه در نظام اسلامی قابل قبول نیست... اینکه صد نفر یا ۲۰۰نفر از کوی دانشگاه خارج شدند و حرف‌هایی زدند و شعارهایی دادند، بهانه و مجوزی نمی‌شود برای اینکه کسانی، در هر لباسی و با هر نامی، وارد آن محیط شوند و کارهای ناروایی انجام دهند؛ به‌خصوص وقتی که نام مقدس نیروی انتظامی در میان می‌آید، عملی که موجب شود نیروی انتظامی بدنام گردد، قضیه را سخت‌تر می‌کند. مگر من بارها نگفته‌ام در اجتماعات کسانی که مخالف‌اند، هیچ‌کس نباید رفتار خشونت‌آمیز داشته باشد؛ چون این، دشمن را خوشحال می‌کند. بارها ما این حرف را گفتیم، چرا گوش نکردند؟! چرا گوش نمی‌کنند؟!

روحانی چه گفت

روز بیست‌وسوم تیر ۷۸ راهپیمایی‌ای در تهران انجام می‌گیرد که حسن روحانی سخنران این رهپیمایی در دانشگاه تهران است. روحانی دبیر شورای امنیت ملی در سخنرانی خود درباره ۱۸ تیر گفته بود: «...دشمنان به کمین نشسته، دشمنان فرصت‌طلب که نه ربطی به دانشگاه دارند و نه ارتباطی به دانشجویان عزیز دارند، در کنار حرکت دانشجویی، می‌خواستند سوءاستفاده کنند و متأسفانه موفق به سوءاستفاده هم شدند. افراد شرور، افراد وابسته به گروهک‌های سیاسی ورشکسته و منزوی در جامعه ما، مزدوران و وابستگان به قدرت‌های خارجی از این فرصت خواستند سوءاستفاده کنند، البته این گروهک‌ها ماه‌ها در انتظار یک فرصت مناسب بودند و فکر کردند این مقطع فرصت مناسبی برای اهداف شوم و پلید آنهاست. یک حادثه تلخی که با حرکت این عناصر فاسد رخ داد، حرمت‌شکنی بود... لازم می‌دانم از نیروی انتظامی به خاطر تلاش‌های شبانه‌روزی‌اش در این چند روز، از نیروی عزیز و قهرمان بسیج و همچنین پرسنل بیدار وزارت اطلاعات تشکر، سپاسگزاری و قدردانی نمایم که تلاش و فعالیت فوق‌العاده‌ای در این چند روز داشته‌اند. از دانشجویان عزیزمان تشکر می‌کنم که با دقت و سرعت، حساب خودشان را از این عناصر مفسد جدا کردند و به خوبی هوشیاری و آگاهی خود را در این مقطع حساس نشان دادند...».

از سوی مجلس پنجم کمیته‌ای برای پیگیری ماجرای کوی تشکیل شده بود که گویا به نتیجه روشنی دراین‌باره نرسیده است. رسیدگی به اتهامات مطروحه درجریان ۱۸ تیر، ۱۶ جلسه به درازا کشید. در نهایت فرهاد نظری فرمانده وقت نیروی انتظامی از اتهامات وارده تبرئه شد. فرهاد نظری بعدها از سیدمحمد خاتمی شکایت کرد. شکایتی که در کمیسیون اصل نود مجلس هفتم در دست بررسی بود و نظری خواستار اعاده حیثیت شده بود. از او در تمام این سال‌ها یک گفت و گو دیده شده که با خبرگزاری مهر در حین پیگیری همان شکایت صورت گرفته است.

روایت نظری

نظری در آن گفت‌وگو می‌گوید: «این نکته قابل تأمل است که برخی مسئولان در گذشته بنده را در حوادث کوی دانشگاه قربانی این قضایا کردند. به اعتراف صریح خود آنها باید توجه کرد. به‌خصوص نامه ۸۰/۱۱/۹ سیدمحمدعلی ابطحی معاون وقت حقوقی و پارلمانی رئیس‌جمهور که خطاب به آقای خاتمی نوشته است «سردار فرهاد نظری فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ به‌عنوان متهم اول مطرح شد و... در نتیجه به دستور جناب‌عالی توبیخ و عزل گردید» و سپس در سطر دیگر نامه ادامه داده است «...در جریان کوی دانشگاه ۵ نفر افسر ارشد دیگر از نیروی انتظامی در محل حاضر بودند که به دلایلی دبیرخانه شورای‌عالی امنیت ملی وارد آن حوزه نشدند؛ لذا در حق وی (فرهاد نظری) ظلم شده است». اسناد و مدارک و مکاتبات زیادی نزد بنده وجود دارد که آقایان به بی‌گناهی من اعتراف کرده‌اند؛ آقای خاتمی در تاریخ ۸۰/۱۱/۲۷ طی نامه‌ای تأکید کرد «سابقه سردار نظری روشن و درخشان است و هیچ مسئله‌ای نباید باعث خدشه‌دارشدن آن سابقه شود» و ادامه می‌دهد «من هم معتقدم آن‌طور که باید و شاید ادای حق نشد، اما این به‌هیچ‌وجه به معنای تقصیر و گناه سردار نظری نیست و ما باید رأی دادگاه در مورد ایشان را مورد احترام قرار بدهیم».

دادگاه «سلام»

برای روزنامه سلام دادگاهی تشکیل شد که یکی از شاکیان آن حمیدرضا ترقی بود نمایندگی از جمعی از نمایندگان مجلس و محمود احمدی‌نژاد استاندار وقت اردبیل در قالب شاکی خصوصی. سلام توقیف و موسوی‌خوئینی‌ها محکوم شد. حمیدرضا ترقی دراین‌باره بعدها به فارس گفت: «محکومیت رهبر و محوریت پشت پرده اصلاحات به پنج سال عدم فعالیت سیاسی و مطبوعاتی، جریان اصلاحات را خلع سلاح کرد و تمام نقشه‌هایی را که برای او و جریان اصلاحات طراحی کرده بودند نقش بر آب ساخت».

عکس: رضا معطریان

بازخوانی یک دهه وزارت «مصطفی معین» بر وزارتخانه علوم

ماندگار بر اصول

فرزانه آئینی: نام «مصطفی معین» در بازخوانی و واکاوی رخدادها و حوادث دانشگاه و دانشجویان عنوان پرتکرار و بااهمیتی است، او قریب به یک دهه سکان‌دار وزارت علوم بوده، ۱۰ سال پرفرازونشیبی که عنوان پدر استعفا را از سوی منتقدانش برای او به ارمغان آورد.

بهانه: استعفا به‌خاطر ۱۸ تیر ۷۸

۱۸ تیر ماه ۱۳۷۸ امروز ۱۸ساله شد، تاریخی که در تحولات سیاسی- اجتماعی دانشگاه و دانشجویان پراهمیت است. بازخوانی این واقعه اسامی بسیاری را در ذهن تکرار می‌کند که مستقیم و غیرمستقیم نامشان به رخدادهای آن ایام گره خورده است. در میان فهرست بلندبالایی که از دانشجویان، سیاسیون و پلیس می‌توان به خاطر آورد، نام مصطفی معین، وزیر علوم آن روزها، جایگاهی ویژه و قابل بررسی دارد، معین وزیری بود که در اعتراض به آن حوادث و به گفته خودش مظلومیت دانشگاه اعلام استعفا کرد، هرچند استعفایش از سوی رئیس‌جمهوری وقت پذیرفته نشد؛ اما مقدمه‌ای شد برای استعفای بعدی و در نهایت خداحافظی‌اش با وزارت علوم. به همین بهانه امروز کارنامه سیاسی - خبری معین را بررسی کرده‌ایم.

شناسنامه: صادره از نجف‌آباد

یازدهم فروردین ۶۶ سال پیش در نجف‌آباد اصفهان و در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد، پدرش کشاورز بود و مادرش خانه‌دار... او تا پنجم دبیرستان {نظام قدیم} در نجف‌آباد بود و سال ششم را همراه پسرعموهایش در اصفهان گذراند و سال بعد و در زمره دانشجویان ممتاز در سال ۱۳۴۸ در رشته پزشکی عمومی بورسیه دانشگاه شیراز (پهلوی سابق) شد؛ دانشگاهی که به طبقه مرفه جامعه تعلق داشت. مصطفی معین تحصیلات عالی‌اش را با کارورزی مستقیم و به‌عنوان دستیار ارشد در دوره تخصصی بیماری‌های کودکان ادامه داد. او در دوران دانشجویی با چهره‌های شاخصی مانند احمد توکلی، هادی خانیکی و محمود فرشید هم‌دوره شد.

او دانشجوی موفق و کاربلدی بود و در کنار تحصیلات آکادمیک به‌دلیل تشویق‌های پدربزرگ مادری‌اش که روحانی بود، جذب حوزه شد و به‌صورت غیررسمی در محضر آیت‌الله حسینعلی منتظری شاگردی می‌کرد. اوایل دهه ۶۰ بود که به ریاست دانشگاه شیراز رسید و در همان ایام (سال ۶۱) و ۳۱سالگی با دختر دختر گوهر الشریعه دستغیب ازدواج کرد، خودش می‌گوید: «عقد ما را هم امام و آیت‌الله توسلی با مهریه یک جلد قرآن و ۱۴ سکه بهار آزادی خواندند». همسرش فارغ‌التحصیل کارشناسی ادبیات فارسی است و خانه‌دار. حاصل ازدواج آنها دو پسر است و یک دختر. او حالا پزشک فوق تخصص اطفال است و دو مطب در تهران دارد، یکی در فرمانیه و دیگری در بلوار کشاورز. معین در دانشگاه علوم پزشکی تهران تدریس می‌کند و همچنان به دانشگاه وابسته است.

کارنامه: مدافع دانشگاه بی‌ستاره

تجربه ریاست معین بر دانشگاه شیراز پلی شد برای ورود او به عالم سیاست. او یک سال پس از انتصابش در این مقام، از حوزه انتخابیه شیراز به اولین دوره مجلس شورای اسلامی راه یافت. هم‌زمان با نمایندگی‌اش در مجلس اول به دبیر شورای مرکزی جهاد دانشگاهی و سرپرستی گروه برنامه‌ریزی پزشکی ستاد انقلاب فرهنگی دست یافت.

فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی معین در کنار حضورش در مجلس اول او را به یک چهره شناخته‌شده بدل کرده بود و به همین سبب او همان سال‌ها در حکمی از سوی امام به نمایندگی در ستاد و شورای عالی انقلاب فرهنگی منصوب شد و این حکم پس از رحلت بنیان‌گذار جمهوری اسلامی تا دو دهه یعنی سال ۸۲ از سوی مقام معظم رهبری تمدید شد.

معین در انتخابات مجلس دوم شرکت نکرد و در این فاصله به کارهای علمی و دانشگاهی ادامه داد؛ اما در انتخابات مجلس سوم باز هم به میدان آمد و این‌بار از حوزه انتخابیه تهران راهی پارلمان شد. او تا سال ۶۸ نماینده تهران بود، اکبر هاشمی‌رفسنجانی که در سال ۶۸ بر مسند ریاست‌جمهوری نشست، او به‌عنوان وزیر فرهنگ و آموزش عالی از مجلس رأی اعتماد گرفت، هنوز دوران وزارتش به پایان نرسیده بود که از سوی کریم شهرزاد، نماینده اصفهان، به مجلس فراخوانده شد. قضیه این بود که دانشگاه هنر اصفهان چند جلد کتاب درسی خارجی برای کتابخانه دانشگاه خریداری کرده بود. وجود برخی تصاویر در این کتاب‌ها باعث شده بود کار وزیر به مجلس بکشد. شهرزاد درباره نبود نظارت کافی و ورود کتاب‌هایی مغایر با شئون اسلامی در دانشگاه هنر اصفهان از وزیر گله‌مند بود و می‌گفت ۴۰۰ جلد کتاب مشکوک که عامل تهاجم فرهنگی است در کتابخانه این دانشکده وجود دارد. معین در پاسخ از فقر کتاب‌های هنری داخلی خبر داد. در نهایت آن تصاویر از کتاب‌ها حذف شدند. عده‌ای به دادسرا احضار و بعد هم تبرئه شدند، برخی هم از سمت‌هایشان برکنار شدند. دوران چهارساله وزارتش در دولت اول هاشمی که به پایان رسید، او جایش را به محمدرضا هاشمی‌گلپایگانی داد و خودش به فعالیت‌های علمی و دانشگاهی بازگشت. تا اینکه سال ۷۴ در فضای انتخاباتی پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی باز هم هوای نمایندگی به سرش افتاد و این‌بار از اصفهان اعلام کاندیداتوری کرد و نماینده اصفهان در مجلس پنجم شد. حضور او در مجلس پنجم خیلی ماندگار نشد؛ او از سوی محمد خاتمی به‌عنوان وزیر علوم به مجلس معرفی شد و رأی اعتماد هم گرفت، معین در سال‌هایی که وزیر علوم کابینه خاتمی بود، بارها و بارها به مجلس احضار شد، یک بار به‌دلیل ادعای کرامت‌الله عمادی، از نمایندگان وابسته به جناح راست، مبنی بر اینکه بین معین و رئیس یک دانشگاه بده‌بستان وجود دارد. البته معین اظهارات عمادی را رد کرد و گفت: «از اتهامات آقای عمادی، نماینده سمیرم متأسفم و برای او طلب مغفرت می‌کنم». بار دیگر که به مجلس احضار شد، ماجرا به علت اختلاف نظر میان دو انجمن دانشگاهی بود؛ هرچند وزیر این را یک مسئله درون‌صنفی و مستقل از حوزه مدیریت دانشگاه خواند، ولی نمایندگان گفتند از پاسخ او قانع نشده‌اند.

اما اوج بحران دانشگاه در زمان وزارت معین به هجدهم تیر ۷۸ و استمرار آن تا ۲۳ تیر همان سال بازمی‌گردد که به فضای سیاسی قریب‌به‌اتفاق دانشگاه‌های کشور از کوی تهران گرفته تا دانشگاه شهید بهشتی، دانشگاه تبریز و... سرایت کرد و معین تصمیم به استعفا گرفت؛ اما به دلیل مخالفت رئیس‌جمهوری وقت منتفی شد. او سال‌ها بعد درباره استعفای خود گفت: «فکر کردم دیگر نمی‌توانم به مسئولیتم ادامه دهم و صبح شنبه، نخستین کاری که کردم این بود؛ رفتم وزارتخانه و استعفایم را دادم. هم واقعی بود و هم یک اعتراض بسیار بسیار جدی، یک نشان صداقت من بود با دانشجویان». البته رخدادهای ۱۸ تیر باز هم وزیر را به مجلس کشاند؛ این‌بار نه برای پاسخ بلکه برای گزارش درباره وقایع آن سال. معین در مجلس گفت دانشجو نباید قربانی مسائل سیاسی و جناحی شود. حضور او در دولت دوم خاتمی ادامه یافت و عهده‌دار وزارت علوم و تحقیقات شد (در سال ۷۹ وزارت فرهنگ و آموزش عالی با هدف انسجام‌بخشیدن به امور اجرائی و سیاست‌گذاری نظام علمی کشور، به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تغییر نام داد). حضور معین در وزارت علوم، با فضای سیاسی روز کشور پرحاشیه و پرخبر بود. از دستاوردهای زمان وزارت دکتر معین این بود که در بخشنامه‌ای انتخاب رؤسای دانشگاه‌ها به دانشگاه واگذار شد و حق نظر وزارت علوم نیز در این مسئله محفوظ بود؛ اما درحال‌حاضر این اختیار از دانشگاه‌ها گرفته شده؛ درحالی‌که بهترین شیوه برای انتخاب رئیس دانشگاه در آن زمان، همین روش بود.

روال احضار معین به مجلس، داستان دنباله‌داری بود که در کابینه دوم محمد خاتمی و مجلس ششم هم ادامه یافت؛ مثلا سال ۸۱، ۲۰ نماینده مجلس به دلیل تدریس‌نشدن زبان کردی در دانشگاه‌ها، خواستار استیضاح وزیر علوم شدند. آنها معتقد بودند وزیر علوم اصل ۱۵ قانون اساسی را اجرا نمی‌کند. بعدا اعلام شد به علت ضرورت‌های خاص منطقه و حفظ آرامش، استیضاح فعلا متوقف شده است.

چند ماه بعد، دوباره طرح استیضاح معین در دستور کار مجلسی‌ها قرار گرفت؛ در خرداد ۸۱ بود که هشدار معین نسبت به پیامدهای بلندمدت فکری، اجتماعی و فرهنگی حکم اعدام برای هاشم آقاجری، استادیار دانشگاه تربیت مدرس، اعتراض و اشغال ساختمان وزارتخانه از سوی دانشجویان اصولگرا و در نهایت ارائه طرح استیضاح از سوی گروه اقلیت مجلس شورای اسلامی را در پی داشت که استقبال و اعلام آمادگی وزیر برای پاسخ‌گویی، موجب بازپس‌گیری طرح استیضاح شد.

در کنار همه این رفت‌وآمدها و استعفاهای معین، او دوم تیر سال ۸۲ برای دومین‌بار استعفا داد و استعفایش هم پذیرفته شد. به بن‌بست‌رسیدن طرح تغییر ساختار وزارتخانه، دخالت نهادهای موازی و حفظ‌نشدن حرمت دانشگاه و دانشجو، عمده دلایل معین برای رفتن بود. معین در استعفانامه‌اش نوشت: «واقعیت این است که از یک سو تعدد مراجع تصمیم‌گیرنده و به‌ویژه تداخل مسئولیت‌ها با شورای عالی انقلاب فرهنگی، سوءظن‌ها، دخالت‌ها و تعرض‌های نهادها و شوراهای غیرمسئول یا غیرپاسخ‌گو، فرصت کار و تلاش مفید و مؤثر را به میزان درخور توجهی از وزارت و دولت سلب کرده و از سوی دیگر، حریم مقدس دانشگاه، منزلت، حرمت و امنیت فکری و اجتماعی دانشجویان، استادان و دانشگاهیان و به‌طورکلی جوانان، متفکران و فرهیختگان در معرض تنگ‌نظری و کژاندیشی، تجاوز و خشونت قرار گرفته است». در آن ایام منتقدان به استعفاهای معین خرده گرفتند و به او لقب «پدر استعفا» را دادند. پس از رفتن معین، میلی‌منفرد سرپرست وزارتخانه شد و مدتی بعد جعفر توفیقی به وزارت رسید.

استعفا از وزارت علوم به قطع حضور معین در دولت اصلاحات منجر نشد؛ او مدتی بعد به عنوان مشاور رئیس‌جمهور منصوب شد. عمر دولت هشتم که به پایان رسید، مصطفی معین برای حضور در نهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، اعلام کاندیداتوری کرد. صلاحیت مصطفی معین ابتدا از سوی شورای نگهبان برای نامزدی انتخابات ریاست‌جمهوری رد شد، سپس با حکم حکومتی مقام معظم رهبری به گردونه رقابت‌های انتخاباتی بازگشت»، او یکی از هفت کاندیدای اصلی رقابت‌ها بود. معین کاندیدایی بود که حمایت جبهه مشارکت، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و ملی- مذهبی‌ها را داشت؛ اما درنهایت پنجمین نفر رقابت‌های انتخاباتی سال ۸۴ شد.

در انتخابات سال ۸۸ و مناظره‌های بین کاندیداهای ریاست‌جمهوری، نام مصطفی معین بارها و بارها برده شد؛ بحث بر سر دانشجویان ستاره‌دار بود و باب‌شدن صفت ستاره‌دار در کنار عنوان اسامی دانشجویان فعال سیاسی - اجتماعی. آن روزها معین در بیانیه‌ای که در اختیار مطبوعات قرار داد، نوشت: «پدیده دانشجویان ستاره‌دار و خسارات ناشی از آن در حوزه آموزش عالی و جامعه، اختصاص به دولت نهم داشته و هیچ‌گونه ارتباطی با دوران مسئولیت این‌جانب در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و دولت اصلاحات نداشته است».

بحث ستاره‌دارشدن دانشجویان در زمان معین فقط از سوی جناح راست و به‌ویژه محمود احمدی‌نژاد به دوران وزارت معین نسبت داده نمی‌شود، محمدرضا عارف، معاون سابقش نیز در گرماگرم رقابت‌های انتخابات یازدهمین دوره ریاست‌جمهوری دراین‌باره شائبه‌ساز شد. عارف در خردادماه سال ۹۲ در جمع دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی در پاسخ به این سؤال یا اتهام که «دانشجویان ستاره‌دار در زمان آقای معین به وجود آمدند، پاسخ شما چیست؟» گفت: «من اگر رئیس‌جمهور شوم، ستاره‌داربودن را حذف می‌کنم، اگر آقای معین این کار را کرده، اشتباه بوده است». به دنبال این سخنان معین در پاسخ به او هم نوشت: «عارف در سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ سمت‌های معاون آموزشی و مشاور این‌جانب را در وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی داشتند و با دیدگاه‌های بنده در دفاع از حقوق دانشجویان و نهاد دانشگاه به‌خوبی آشنا هستند... به نظر می‌رسد صداقت و شفافیت در پاسخ‌گویی‌ها، به حق و انصاف و اخلاق و معیارهای اصلاح‌طلبی نزدیک‌تر باشد؛ ضمن آنکه «تجاهل‌العارف» نیز در شرایط نابسامان کنونی راه به جایی نخواهد برد». پس از بازشدن فضای سیاسی کشور برای اصلاح‌طلبان در دو سال اخیر، معین در دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی از حوزه انتخابیه شیراز، ثبت‌نام کرد، اما صلاحیت او برای حضور در انتخابات تأیید نشد.

معین هم‌اکنون ریاست انجمن آسم و آلرژی و مرکز تحقیقات ایمونولوژی، آسم و آلرژی را بر عهده دارد. او عضو هیئت‌های امنا، شوراهای علمی و پژوهشی، مجامع، آکادمی‌ها و انجمن‌های علمی، فرهنگی و دانشگاهی مختلفی است و به‌عنوان استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران به تدریس و تحقیق مشغول است. انتشار بیش از ۱۴۰ مقاله علمی در نشریات و همایش‌های معتبر در سطوح ملی و بین‌المللی، انتشار ۱۸ عنوان تألیف، ترجمه یا ویرایش علمی و نیز ارائه صدها سخنرانی در دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و مجامع آموزشی و فرهنگی در ایران و سایر کشورها از جمله دستاوردهای علمی و فرهنگی اوست.

مواضع:

- وقتی در سال ۸۳ پیشنهاد کاندیداتوری به من شد، این حدس را می‌زدم که من را تأیید صلاحیت نکنند. / جماران، بهمن ۹۵.
- وزارت علوم بیشتر مجری است. سیاست‌گذاری در سطح مجلس و شورای عالی انقلاب فرهنگی است. / همشهری ماه، اسفند ۸۳.
- عدم شرکت در انتخابات جامعه را دچار پسرفت و افسردگی می‌کند. / ایسنا، اردیبهشت ۹۶.
- طرف مقابل قوتی ندارد. قوتش در آن هشت سالی که بر کشور ما تحمیل کرد و صدها میلیارد دلار درآمدی که هیچ نشانی از آن وجود ندارد، مشاهده شد! اما رقیب از ضعف‌ها و ناشی‌گری‌های ما استفاده می‌کند. / شرق، مرداد ۹۵.

روزنه

آیت‌الله موسوی‌خوئینی‌ها:

نامه معاون وزیر اطلاعات محرمانه نبود

● **جماران:** سیدمحمد موسوی‌خوئینی‌ها در کانال تلگرامی خود درباره توقیف روزنامه سلام نوشته است: «یکی از خوانندگان محترم پرسیده‌اند: آیا چاپ نامه محرمانه معاونِ وزیر اطلاعات یک انتحار سیاسی نبود؟

شاید بعضی از خوانندگان از وقایع آن سال‌ها باخبر نباشند و متوجه موضوع این سؤال نشوند. اصل قضیه این بود که در مجلس پنجم، برای بیشتر محدودکردن مطبوعات، طرحی در دستور کار و مورد بررسی قرار گرفته بود. هم‌زمان با بررسی این طرح، روزنامه سلام نامه‌ای را چاپ کرد؛ محتوای آن نامه -که سعید امامی، معاون وزیر اطلاعات، همراه با گزارشی از وضع مطبوعات، برای جناب وزیر وقت تهیه کرده بود- از این واقعیت پرده برمی‌داشت که وزارت اطلاعات در آن زمان در پی آن بوده که مطبوعات را هرچه‌بیشتر محدود کند و به این نتیجه رسیده بوده که برای نیل به این هدف، نیاز به تصویب قانونی در مجلس دارد. این نامه هماهنگی برخی نمایندگان را با وزارت اطلاعات افشا می‌کرد. پس از چاپ نامه، دادگاه روزنامه سلام را تعطیل کرد. یکی از اتهامات سلام - و شاید مهم‌ترین آنها- چاپ همین نامه بود، به این بهانه که روزنامه سلام نامه‌ای محرمانه را افشا کرده است! لازم است توضیح دهم که آن نامه محرمانه نبود و شاکی (وزارت اطلاعات)، برای ارائه سند به دادگاه، پس از طرح شکایت، مُهر محرمانه بر آن نامه می‌زند! من با اطلاع از این کار -که می‌توان گفت حداقل کاری غیراخلاقی بود- از رئیس دادگاه درخواست کردم با هزینه من مُهر محرمانه روی نامه را به آزمایشگاه بدهند تا معلوم شود که جدید است یا مربوط به همان زمان ارسال نامه از اتاق معاون به اتاق وزیر! دادگاه با این درخواست موافقت نکرد، درحالی‌که حق مسلّم یک متهم است که برای رفع اتهام و دفاع از خود چنین درخواستی بکند و دادگاه هم مکلف است که درخواست وی را بپذیرد؛ در غیر این صورت، دادگاه از وظیفه تحقیق برای دست‌یافتن به حقیقت سر باز زده است. اما تصمیم گرفته شده بود که روزنامه سلام بسته شود و تشکیل دادگاه فقط بهانه بود.

نکته دیگری که نشان می‌داد این نامه مُهر محرمانه نداشته است این بود که این نامه در واقع گزارشی بود از وضعیت مطبوعات که همراه آن یک پیشنهاد مطرح شده بوده و یکی از معاونت‌ها آن را برای ارائه به وزیر اطلاعات جهت تصمیم‌گیری تهیه کرده بود؛ بدیهی است که روی چنین نامه‌ها و گزارش‌هایی که در گردش بین معاونان یا میان یک معاونت با وزیر است، آن‌هم درون یک وزارتخانه، مهر محرمانه نمی‌زنند. پس آن نامه محرمانه نبود؛ بااین‌حال اگر من می‌دانستم که انتشار آن را بهانه‌ای برای بستن سلام می‌کنند، هرگز این بهانه را به دستشان نمی‌دادم؛ البته در آن صورت هم به بهانه دیگری متوسل می‌شدند، چراکه سلام در خلاف جهت تک‌صدایی حرکت می‌کرد و همان‌طور که گفتم، تصمیم گرفته بودند سلام را تعطیل کنند.

خدا را شکر که شاکی روزنامه سلام، مردم نبودند و نهادهای حکومتی در جایگاه شاکی بودند، نهادهایی از قبیل وزارت اطلاعات، شورای نگهبان، بعضی از وزرای دولت سازندگی، بعضی از نیروهای نظامی یا انتظامی و شاید برخی نمایندگان مجلس که نماینده کانون‌های قدرت بودند. البته در میان آنها یک استاندار هم در جایگاه شاکیان ایستاده بود که با طرح شکایت از سلام بختش باز شد و پس از آن پله‌های ترقی را به سرعت طی کرد و به ریاست‌جمهوری رسانده شد؛ اما... از قضا سرکنگبین صفرا فزود، روغن بادام تلخی می‌نمود!».

نوبت دوم

آگهی مزایده عمومی

(شماره مجوز ۱۳۹۶.۱۴۶۳)

(شماره ۹۶/۳۵۰/۲۳۸۸)

شرکت خطوط لوله مخابرات نفت ایران

شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران- منطقه خوزستان در نظر دارد اقلام ذیل را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند. شرکت کنندگان می‌توانند تا ۵ روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم به استثناء روزهای پنجشنبه و جمعه در ساعات اداری، پس از واریز مبلغ ۳۰۰/۰۰۰ ریال به حساب شماره ۲۱۷۴۶۸۹۰۰۱۰۰۰ تمرکز وجوه درآمد (شرکت خطوط لوله و محابرات نفت ایران) بانک ملی شعبه سپند کد ۶۰۱ به همراه فیش واریزی و معرفی‌نامه معتبر و ارائه درخواست کتبی حضوراً جهت بازدید، خرید و دریافت اسناد و مدارک مزایده به آدرس: اهواز/ خرمکوشک/ شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران/ منطقه خوزستان/ امور حقوقی و قراردادها مراجعه نمایند.

۱- محل و مکان اجرای کار: آبادان/ کمپ ایرانگاز

۲- مدت اجرای کار: ۳ ماه

۳- نام دستگاه نظارت: ناحیه آبادان

شرایط و مدارک:

۱- ارائه کد اقتصادی و شناسه ملی و کد ثبت‌نام در پایگاه ملی مناقصات جهت اشخاص حقوقی

۲- ارائه کدملی و کدثبت‌نام در پایگاه ملی مناقصات جهت اشخاص حقیقی

۳- ارائه فیش واریزی به مبلغ ۳۶۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به عنوان سپرده شرکت فرآیند ارجاع کار به حساب شماره ۷۸۴۶۵۲۲۲۱۶ و یا ارائه ضمانت‌نامه بانکی معادل مبلغ فوق از ضمانت‌نامه‌های مندرج در بندهای الف،ب،پ،ج،چ،ح ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۹/۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۹/۲۲ هیئت محترم وزیران

۴- ارائه ضمانتنامه انجام تعهدات به میزان ۱۰٪ کل مبلغ پیشنهادی برنده مزایده

۵- پیشنهادهای واصله در محل کمیسیون مناقصات به آدرس:تهران- خیابان سپهبد قرنی- نرسیده به چهارراه سپند - پلاک ۱۸۸ - طبقه هشتم روز شنبه مورخ ۹۶/۵/۲۸ ساعت ۱۴:۳۰ با ارسال دعوتنامه قبلی جهت حضور،بازگشایی خواهد شد.

ردیف	اقلام مزایده	وزن/تعداد/دستگاه	محل
۱	اوله مستعمل در سایزهای مختلف	۶۰۰تن	کمپ ایرانگاز آبادان

ضمنا متقاضیان شرکت در مزایده می‌توانند با شماره تلفن ۳۲۲۴۰۵۶۵- ۰۶۱ تماس حاصل نمایند.

www.ioptc.ir www.shana.ir

روابط عمومی